

بسمه تعالی:

**برنامه، جهت و هویت مدرن لر: گفتار چهارم جغرافیای سیاسی
و هارتلند لرها:**

جهانگیر محمودی:

مؤلفه هویتی دیگری که باید قومیت لر به آن توجه کند، ژئوپولوتیک و جغرافیای سیاسی است و در این میان هارتلند یا قلب سرزمین لرهاست که اهمیت فراوانی دارد. این گفته رسول اکرم (ص) را به خاطر بیاوریم که فرمود: هر چیزی قلبی دارد و قلب قرآن سوره یاسین است... لذا هر چیزی قلبی دارد، پس سرزمین لرها نیز دارای قلب است. اهمیت قلب سرزمین یا هارتلند در این است که بدون تسلط قوم بر آن نمی توانند ابعاد هویتی خویش را تکمیل کنند تا به توانایی های لازم برای انجام رسالت خویش درباره ی ایران بزرگ و قومیت برسند. نکته ای که در اینجا اهمیت بسیار دارد اینکه قوم لر هرگز درخواست هیچ گونه حکومت مستقلی ندارد. یا خواهان حتی نظام فدرالی و شبه فدرالی نیست. بلکه خواهان رسیدن به اهداف خویش در چارچوب قوانین کشور و سازوکارهای

انتخاباتی و اداری و غیره در چارچوب ملی و وحدت ملی است. اکنون در این پیوند نخست به بیان اجمالی حدود سرزمین هایی که لرها در آن زندگی می کنند می پردازم. قومیت و گویش لری در يك تقسیم بندی به سه بخش مینجایی و لك و بختیاری تقسیم می شوند که از نظر لهجه، سنن، آداب و رسوم و برخی مسایل مذهبی با يك دیگر تفاوت اندکی دارند. در سایر نقاط ایران مثل کرمان و تهران نیز طوایف پراکنده لر وجود دارند. در گذشته لرها را به دولر كوچك (الوار لرستان و ایلام) و لر بزرگ (الوار بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد و ممسنی فارس) تقسیم کرده بودند. بختیاری ها که در استان چهارمحال و بختیاری، خوزستان و استان های همجوار زندگی می کنند یکی از بزرگ ترین کوچنده گان کشور ایران هستند. منطقه ممسنی فارس نیز مأوای چهار طایفه لر شامل دشمن زیاری، جاوید، رستم و بکش است. در استان کهگیلویه و بویراحمد، بویراحمدی ها (علیا، سفلی، گرمسیری)، بهمئی، طیبی، دشمن زیاری، چرام و بابوئی (باوی) سکونت دارند. منطقه کوهمره سرخی که منطقه‌ای به وسعت بیش از 3000 کیلومتر مربع از جنوب شیراز و حدفاصل کازرون و فیروزآباد را در بر

می‌گیرد، در محدوده خود 20 طایفه کوه نشین را در بردارد که بزرگترین قبیله آن سرخی خوانده می‌شود. (منبع اطلس های ایران) باید گفت: که عامل جغرافیایی به مجموعه عواملی گفته می‌شود که برگرفته از ویژگی‌های مربوط به اقلیم، طبیعت و آب و هواست، که در قرون و هزاره‌ها، می‌تواند بر نوع رفتار زیست محیطی افراد تأثیر گذاشته و هویتی اجتماعی خاص، یا احساس تعلق به خصوص را در یک گروه انسانی، از گذر زندگی تاریخی، ایجاد کند؛ (یعنی جغرافیای انسانی ویژه ای بیافریند) بنابراین، باید ریشه‌های بخشی از احساسات مربوط به تعلق سرزمینی را در این عامل جستجو کرد. اما این احساس تعلق هنگامی می‌تواند تأثیر واقعی خویش را بگذارد که به مرتبه جغرافیای سیاسی برسد که برای رسیدن به جغرافیای سیاسی لرها نیاز بسیاری به شناختی از ویژگی‌های این سرزمین و مهمتر از آن شناخت مرکز این جغرافیای سیاسی است که به عقیده نگارنده این مرکز همانا خوزستان به ویژه اهواز است. یعنی در واقع هارتلند لرها (قلب سرزمین برپایه نظریه معروف مکیندر در زمینه ژئوپلوتیک و جغرافیای سیاسی) همانا اهواز و خوزستان است. فتامل.

هویت و جغرافیا:

در اینجا بحث بیشتری درباره نقش جغرافیا در شکل گیری هویت می نمایم. در جهان امروز، مفهوم قومیت، دربرگیرنده ایده یکپارچگی گروهی جمعی از مردمان در سرزمینی مشخص است. این مفهوم هنگامی واقعیت می پذیرد که افراد ترکیب کننده آن گروه انسانی، پدیده هایی را میان خود مشترک بیابند؛ پدیده هایی که همه آن افراد را به هم پیوند دهد و چهره ای کلی و یکپارچه بسازد که نماینده ویژگی های مشترک همه آنان باشد. در واقع قومیت گروهی از مردم هستند که احساس می کنند از دو جهت به یکدیگر وابسته اند؛ نخست اینکه آنان در عناصر بسیار مهمی از یک میراث مشترک سهم بوده و دوم اینکه در آینده سرنوشت مشترکی دارند. تعریفی که جی. اندرسون از ملت بیان کرده با مفهوم قومیت تطابق کامل دارد. (ملت ها مانند دیگر سازمان ها و ساختارهای اجتماعی، تنها اشغال کننده سرزمین نیستند بلکه مدعی همخوانی با مکان جغرافیایی ویژه ای هستند.) به هر حال ارضای حس تعلق داشتن به سرزمین و هویت قومی ویژه، (حب الوطن) زیربنای انگیزه معنوی اصلی در اندیشه هر انسان و هر گروه انسانی ویژه

است. هنگامی که حس تعلق به سرزمین ارضا شود، نیاز انسان به داشتن «هویت» خودنمایی می کند. واژه هویت به معنی «چه کسی بودن» است و نیاز به داشتن آن است که حس شناساندن خود با یک سلسله عناصر فرهنگی و تاریخی را در فرد یا گروه انسانی (مانند قومیت) تحریک می کند. هما نگونه که یک فرد، نیازمند شناخته شدن به نام و ویژگی های خاص خود و شناساندن خود بدان نام و ویژگی هاست، یک گروه انسانی نیز نیازمند شناخته شدن و شناساندن خود به یک سلسله پدیده های مادی و معنوی است که شخصیت قومی ویژه و شناسنامه متمایزی را پدید می آورد. پویایی این پدیده های مشترک است که مفهوم قومیت را واقعیت می بخشد؛ پدیده هایی چون دین مشترک، زبان مشترک، سلسله خاطرات سیاسی مشترک، برخی دیدگاه های اجتماعی مشترک، سرزمین مشترک، آداب و سنن و ادبیات و فولکلور مشترک و در کل، مجموعه ای از همه این مفاهیم، «شناسنامه ای» قومیتی می سازد که «هویت» قومی یک گروه انسانی یا یک قومیت را واقعیت می بخشد. با توجه به این حقیقت که هویت قومی هر قومیت در درجه اول زائیده محیط جغرافیایی آن است، می

توان نتیجه گرفت که سرزمین لرها محل پیدایش و پرورش هویت قومیتی لر است. اما جغرافیای سیاسی چیست و ژئوپلوتیک دارای چه معنایی است؟

تعریف ژئوپلوتیک و جغرافیای سیاسی:

در این قسمت به بحث درباره جغرافیای سیاسی می پردازیم. ماباد رک مفاهیم جغرافیای سیاسی در خواهیم یافت که چگونه تعلقات جغرافیای انسانی و حدود سرزمینی خود را البته در چارچوب وحدت و تمامیت سرزمین عزیزمان ایران به عامل هویت ساز خویش تبدیل کنیم. به گونه ای که توان و قدرت حل مشکلات قومیت خویش را بازیابیم و بتوانیم به کشور باستانی خویش خدمت کنیم. جغرافیای سیاسی در واقع زیرمجموعه جغرافیای انسانی است (لازم به ذکر است که جغرافیا به دو بحث جغرافیای طبیعی و جغرافیای انسانی تقسیم می شود.) یکی از نیازهای انسان نیاز به امنیت و ارتباط می باشد. معمولاً علم سیاست می کوشد که به این نیاز انسان پاسخ دهد. در جغرافیای سیاسی به مطالعه آن دسته از فعالیت های انسان پرداخته می شود که آثاری از آن در

فضای جغرافیایی (جغرافیای انسانی) بر جای مانده باشد. امروزه عامل سیاسی مهمترین دلیل ایجاد چشم اندازهای جغرافیایی است. کشور بزرگترین و مهمترین پدیده مورد بحث در جغرافیای سیاسی می باشد. پدیده ای است که هم سیاسی است و هم خاستگاه جغرافیایی دارد. واحدهای سیاسی مهمترین موضوع در جغرافیای سیاسی محسوب می گردند. لذا واحدهای بزرگتر از کشور هم می توانند مورد بحث باشد. مانند سازمان ملل و اتحادیه اروپا...، دلیلش این است که تصمیم هایی که واحدهای بین المللی اتخاذ می کنند در فعل و انفعالات سیاسی بین کشورها تاثیرات تعیین کننده ای دارد، و بالعکس. از طرفی واحدهای سیاسی کوچک تر از کشور هم می تواند به عنوان یک پدیده سیاسی مورد بحث باشد. مانند تبدیل یک کشور به استان ها و شهرها و ناحیه ها... واحدهای سیاسی در راس موضوع های جغرافیایی سیاسی مطرح می گردند. برای نمونه درباره واحد (ناحیه) سیاسی لرها این پرسش مطرح است که آیا این قومیت در ناحیه سیاسی خویش از چه نوع سازمان درونی برخوردار است؟ آیا واجد انسجام کافی است؟ و یا اینکه پدیده هایی چون عشیره، طایفه، تش، تیره و غیره و اخیرا

استان گرای، شهرگرایی و روستا گرایی نشانگر ضعف انسجام و پراکندگی آنهاست. البته هر واحد بزرگ به طور طبیعی به واحد های کوچکتر تقسیم می شود. لیک آیا این تقسیمات قدیمی و جدید در چارچوب یک واحد بزرگتر است یا اینکه این واحدها وجود ندارند؟ این موضوع در فصول بعد بیشتر بررسی می شود. لیکن باید گفت این تقسیمات در شرایط فعلی مانعی در وحدت و انسجام موثر قومیت است. در اینجا مبحث دیگری به نام ژئوپلتیک وجود دارد. در دانش ژئوپلتیک می خواهیم ببینیم واحدهای جغرافیایی و سیاسی چه اثر و نقشی در قدرت سیاسی آنها دارند. یکی از عواملی که نقش زیادی در قدرت واحدهای سیاسی دارد موقع جغرافیایی آنها می باشد. یعنی طول و عرض. به طور مثال ویژگی های توپوگرافی سرزمین می تواند برای سرزمین هم نقطه قوت تلقی گردد و هم امتیاز منفی. موقعیت جغرافیایی هم از عواملی مهم برای یک سرزمین می باشد. یعنی ارتباط با جهان خارج از مرزها و واحد های سیاسی. در ژئوپلتیک به دنبال پدیده های جغرافیایی در قدرت سیاسی دولت ها و کشورها هستند. تبیین قدرت سیاسی هر ناحیه در دانش

ژئوپلوتیک بر خود واحد و اعضای آن به این گونه سنجیده می شود که تبیین نماید از درون چگونه می تواند از راه انسجام و وحدت و اطاعت نمودن اعضا قدرت خویش را افزوده و یا کنترل نماید. بنابراین انسجام و وحدت درونی موثری پراکنندگی آن، نمایانگر جغرافیای سیاسی است و البته میزان قدرت ناشی از آن چه در جهت کاهش یا در سویه افزایش بخشی از ژئوپلوتیک آن است. اما واحدی مانند ناحیه نمی تواند صرفاً به انسجام و وحدت خویش بیاندهد. زیرا هر ناحیه در کشوری مانند ایران که بر اثر ضرورت های تاریخی و ملی دارای حکومتی متمرکز است ناچار است در مرتبه نخست شیوه مناسب روابط با حکومت را بیابد. مثلاً مقام معظم رهبری در سال 93 در دیدار با گروهی از بختیاری ها مطالبی بیان فرمودند. وی در دیدار دست اندرکاران ستاد نكوداشت شیر علیمردان خان، معرفی و تجلیل از شخصیت های تاریخی برجسته، فداکار و مجاهد در میان اقوام ایرانی را که خالصانه و صادقانه علیه استبداد مبارزه کرده اند، کاری بسیار بجا و شایسته خواندند و تأکید کردند: آنچه که در معرفی این شخصیت ها اهمیت دارد برجسته سازی جهت گیری ها و عقاید و

انگیزه‌های دینی در حرکت‌ها و قیام‌های ضد استبدادی است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تنوع اقوام و اقلیت‌ها را یک ویژگی ممتاز برای ایران دانستند و با اشاره به همبستگی کامل اقوام ایرانی و وفاداری آن‌ها به کشور افزودند: قوم بختیاری و لرها جزء بهترین و باوفاترین اقوام ایرانی هستند و به صفت صداقت، شجاعت، غیرت، صفا و پایداری بر عقائد اسلامی و شیعی شناخته می‌شوند... (ایسنا) بنابراین باتوجه به نگاه حکومت نیازی نیست که در تقابل بادین قرار بگیریم و از سوی دیگر ماکه پدران ایران هستیم نباید ایران را به خطر اندازیم بلکه میان منافع قوم و منافع ایران باید راهی بجوییم که نتیجه آن به سود هر دو طرف معادله باشد. به اصلاح بازی برد=بر در اندیال کنیم. این نگاه و نگرش رهبری نشان می‌دهد که هنوز ژئوپلوتیک ما قابل اعتنا است. اما ممکن است که به تدریج این اعتبار و قدرت از بین برود. پس باید مراقبت کامل نمود و بر اعتبار آن افزود. از جمله روابط خارجی ناحیه‌ها که می‌تواند سبب تضعیف یا تقویت ژئوپلوتیک و قدرت سیاسی هر ناحیه‌ای گردد. نوع روابط با ناحیه‌های دیگر است. خوشبختانه در خوزستان به ویژه اهواز این موقعیت برای لرها فراهم شده که

بتوانند به تقویت ژئوپلوتیک خویش بپردازند. اما در اینجا نخست نیازمندیم که بحث بیشتری درباره ناحیه گرایی داشته باشیم.

ناحیه گرایی یکی از مباحث مهم ژئوپلوتیک و جغرافیای سیاسی:

یکی از مفاهیم جغرافیای سیاسی ناحیه گرایی است. دکتر مراد کاویانی راد، در کتاب «ایران از منظر جغرافیای سیاسی» عقیده دارد که: سیر تحولات کنونی نشان دهنده روی آوردن انسان و جماعت های انسانی به مؤلفه های باثبات هویت سازی همچون مکان، محل، ناحیه و سرزمین است. گرایش به سوی درک و شناخت پدیده های انسانی و طبیعی ناحیه (مانند ناحیه لرها) که اساس شکل گیری بسیاری از هویت هاست به همراه تمایل به متفاوت بودن نسبت به دیگر نواحی، شاخصه اساسی ناحیه گرایی است. ناحیه گرایان با برجسته کردن همین نمادها خود را در سنجش با دیگر نواحی تعریف می کنند و شایستگی برخورداری از وضعیتی بهتر را حق مسلم خود می پندارند. بر اساس شاخصه های فرهنگی (زبان و مذهب) و اقتصادی، ناحیه گرایی گونه های مختلفی دارد. او در جای دیگر از کتاب فوق الذکر می گوید: تاثیر

اقلیم بر پیدایش تمدن های باستانی که توسط هانتینگتون مطرح شده، بیانگر این است که پیدایش و نابودی تمدن ها بستگی به عوامل طبیعی (اقلیم) دارد. نویسندگان در سازماندهی سیاسی فضا به سه الگوی مدیریتی دولت فدرال، تک ساخت و ناحیه ای و بیان ویژگیهای آن که کشورهای مختلف به فراخور تنوع فضای ملی برای اداره بهتر کشور بکار می گیرند، اشاره نموده است. و از بین این سه نوع الگوی مدیریتی، دولت ناحیه ای که نقش زیادی در برقراری تعادل داشته و ضامن پیشرفت، توسعه، عدالت محیطی و برقراری امنیت است را متذکر شده است. وی عقیده دارد: در بسیاری از موارد، هویت فرهنگی عامل اصلی تعیین ناحیه است. هر ناحیه دارای تعدادی نماد و ارزش معین است؛ لذا از میان نظایمهای سیاسی روی کره زمین، دو مجموعه ناحیه ای با نمادها و ارزش های همسان نمی توان یافت و این موید این است که در هر ناحیه ای نمادها و ارزشها، ماهیت پیچیده ای دارند و از الگوی به هم تنیده ای پیروی می کنند. موضوع بعدی در مورد هویت ایرانی و همبستگی ملی است. نویسندگان در آغاز این مبحث با این پرسش وارد می شود که کشوری که متأثر از موقعیت مطلق و

نسبی، دارای این همه تنوع ناحیه ای است چگونه طی تاریخ توانسته با چیرگی بر نیروهای متنوع زبانی، مذهبی و در ظاهر مرکزگریز و ناحیه گرا، پایدار بماند؟ و در پاسخ بدان، پایداری و ماندگاری واحد سیاسی ایران را در خاستگاه و دلیل وجودی آن می داند. دلیل وجودی که توانسته میان بخش های مختلف دولت همبستگی برقرار کند. بر این اساس ایران زمین بعنوان حلقه پیوند و اشتراک ایرانیان، در گذار تاریخ، ایران قدیم را به ایران نوین پیوند داد و خاستگاه تشکیل دولت- ملت ایران در دوران مشروطه شد. بعبارت دیگر جامعه نمادین ایران زمین علت وجودی دولت- ملت ایران بود. مفهوم تاریخی هویت ایرانی، که در دوران ساسانیان ابداع شد، در دوران اسلامی با نشیب و فرازهایی پایدار ماند، در عصر صفوی تولد دوباره یافت و در عصر مشروطه بصورت «هویت ملی ایرانی» نمودار شد. نویسندگان در ادامه به عناصر سازنده هویت ایرانی که شامل سرزمین ایران، زبان فارسی، دین اسلام، پدیده تکثر فرهنگی و هویت مدرن اشاره می کند و چنین نتیجه گیری می کند که عناصر سازنده هویت ایرانی، عناصری ایرانی- اسلامی است که پیونددهنده نواحی ناهمگون در

ایران بوده است. عناصر ایرانی بودن که شامل زبان فارسی، آیین های دگرسان گشته(آیین های مرتبط با سور و سوگ جمعی،نوروز)، باستان گرایی (نگهداری و بازسازی سنت ها و عقاید کهن و باستانی)، اسطوره گرایی(شاهنامه، جمشید و ضحاک) و فرهنگ مدرن می باشد نشان دهنده آن بخش از هویت ایرانی است که منشاء آن پیش از اسلام است و عمدتاً برگرفته از ریشه های تباری فرهنگ کوچندگان ...، یادمان های تاریخی پیش از اسلام، و ایرانشهر عصر ساسانیان است که تا به امروز در زبان، نماد و آثار باستانی وجود داشته و مورد پذیرش و مرجع اکثریت یا همه افراد جامعه است.بنابراین ناحیه گرایی لر و هویت فرهنگی اش با قومیت مرکزی تقریباً یکسان است بی خطر بوده بلکه دارای فایده های بسیار است.لازم به تاکید نیست که هویت هر قومیت در درجه نخست، زاینده محیط جغرافیایی آن قومیت است. بنابراین چنانچه هیچ قومیتی نمی تواند فاقد هویت باشد. لاجرم نمی تواند بدون جغرافیا و هویت ناحیه ای و جغرافیایی باشد.

نقد خطر ناحیه گرایی سیاسی:

دکتر مراد کاویانی راد، در بخشی دیگر بر این باور است که { ناحیه گرایی سیاسی برای کشور بسیار خطرناک است. وی در این باره عقیده دارد ناحیه گرایی سیاسی جایی است که احساس در حاشیه بودن و نابرخورداری از فرصت های ملی زمینه ساز ناخرسندی و احساس تبعیض می شود. در این نوع ناحیه گرایی، ناحیه گرایان کسانی هستند که احساس عمیق تعلق و وفاداری به یک گروه قومی را در برابر وفاداری به یک واحد ملی تشویق می کنند. در ناحیه گرایی سیاسی نقش نیروهای مرکزگرا که در نماد وحدت و یکپارچگی ظاهر می شدند، کاسته می شود و نیروهای واگرا به قول گاتمن تقویت و چیرگی می یابند و واحد سیاسی را به سوی فروپاشی می رانند. در چنین حالتی جدایی طلبی ناحیه گرایان طیفی از درخواست ناحیه ای خودمختاری (بعنوان گام نخست تا استقلال) تا ایجاد دولتی جداگانه درون کشور تابعه را در بر می-گیرد. تا حدودی می توان شعارهایی که حکومت ناحیه ای کردستان شمال عراق مطرح می کند را در چارچوب این نوع ناحیه گرایی گنجانند}. اما این تنها شکل ناحیه گرایی سیاسی نیست زیرا چنانچه هارتشورن عقیده دارد. ناحیه گرایان به دو گروه ناحیه

گرایان مرکز گرا و ناحیه گرایان مرکز گریز تقسیم می شوند. لذا برای نمونه لرها به علل متعدد نمی توانند مرکز گریز باشند. یکی از آن علل مهم اینست که لرها در مجموع در حاشیه کشور که منظور مرزها باشند زندگی نمی کنند. و در جایی مانند خوزستان هموطنان عرب به مرز نزدیکترند. دیگر اینکه لرها خود را پایه گذار ایران می شناسند و در خود حق پدیری برای ملت قائل هستند. سوم اینکه لرها هویتی که آنها را به صورت جدی از قومیت مرکزی جدا کند برای خود قائل نیستند. و بالاخره چهارم اینکه ناحیه گرایی سیاسی لرها خواهان خود مختاری نیست. اما خواهان تقویت و افزایش توان برای لرها در اداره خوزستان و تمام ناحیه لرنشین است. بنابراین ناحیه گرایی سیاسی لرها نه اینکه خطری ندارد بلکه فایده بسیاری خصوصا در برابر ناحیه گرایان مرکز گریز دارد.

اهواز و خوزستان هارتلند لرها:

اعراب خوزستان برادر و هموطن ما و به اصطلاح «انفسنا» و جان ما هستند. لذا به هیچ وجه این مبحث در تضاد و رویایی با آنها نیست. لیک بی گمان در تقابل با نیروهای مرکز گریز آنها قرار دارد. ما با

اعراب خوزستان بایستی دست در دست هم باشیم تا جنبش نخل و بلوط به اهداف مشترک دست یابد. وبه جایی برسیم که بتوانیم خوزستان ایرانی را برای ایران و برای اعراب ولرها و هموطنان دیگر ساکن در استان ولرهای دیگر بسازیم. آبادانی و رفاه را برای همه بخواهیم. باید احترام به ارزش ها و فرهنگ همه ساکنان فراهم شود و این خواسته ها تحقق یابد. اما بی گمان خوزستان به ویژه اهواز هارتلند لر هاست.

هارتلند چیست؟

اصطلاح هارتلند را ظاهراً اولین بار سر هلفورد مکیندر جغرافیدان انگلیسی در آغار قرن بیستم (1904) و با موضوع و نقش ژئواستراتژیک وضع کرد، و از لحاظ مکانی آنرا بر فضای جغرافیایی بین ارتفاعات اورال، البرز-هندوکش، سیبری و اقیانوس منجمد شمالی تطبیق داد. از آن زمان تا کنون هارتلند بلحاظ موضوعی و مکانی دچار تغییر و تحول بوده است. هارتلند به معنی قلب زمین، به لحاظ مفهومی عبارت است از مکان و فضای جغرافیایی پر قدرت در سطح کره زمین، که یک یا چند امر

جهانی، و یا سیاست جهانی به آن پیوند خورده باشد. به عبارتی هارتلند مکان و فضای جغرافیایی برخوردار از پتانسیل قدرت است که حاوی یک یا چند ارزش یا صفتی است که کارکرد جهانی و کروی دارد. بنابراین هارتلند از حیث زمانی و مکانی و حتی موضوعی، ناپایدار و متغیر است. بدین معنی که هارتلندها ثابت و ابدی نیستند، یعنی در بعد زمانی و تاریخی ممکن است ارزش و نقش یک هارتلند کم یا زیاد شود و یا حتی از بین برود. از لحاظ مکانی نیز ممکن است هارتلند در سطح سیاره زمین جابجا شود. بلحاظ موضوعی نیز نقش و کارکرد هارتلند ممکن است تغییر کند و موضوعات و مسائل جدیدی در زندگی بشر و جهان پدید آید که از اهمیت فوق العاده ای برخوردار شوند. بطور همزمان نیز ممکن است کره زمین دارای چند قلب و یا هارتلند باشد. یعنی متناسب با هر موضوع و یا ارزش و نقشی که قدرتمندانه ایفا میکند یک قلب خاص با حوزه نفوذ و یا کارکرد جهانی و کروی داشته باشد. بر این اساس می توان گفت که هارتلندها در بعد موضوعی متکثرند، در بعد مکانی جابجا می شوند، و در بعد زمانی دچار فراز و فرود میگردند. در هر صورت آنها از حوزه

نفوذ و یا کارکرد جهانی و کروی قدرتمند برخوردارند. امروزه کره زمین قلبها و هارتلندهای مختلفی دارد. مثلا: شمال غرب آمریکا و اروپا هارتلندهای مالی و پولی، غرب آمریکا (کالیفرنیا) هارتلند فضای مجازی و فناوری اطلاعات، خلیج فارس. هارتلند انرژی فسیلی، آمریکای شمالی. هارتلند علمی و تکنولوژیک، شرق اروپا و اقیانوس آرام هارتلند ژئواستراتژیک، و آسیای جنوبغربی هارتلند بحران خیز جهان می باشند. (دکتر محمدرضا حافظ نیا- استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس) باید گفت که هارتلند تنها در سطح جهانی مطرح نیست. با توجه به اینکه براساس ضرورت های درست تاریخی ایران کشوری از لحاظ سیاسی متمرکز است. لذا ناحیه ها در کشور برای دستیابی به قدرت ژئوپولوتیک محدود به چارچوب کشور هستند. براین پایه ژئوپولوتیک آنها نیاز به هارتلند و شناسایی آن توسط هر ناحیه دارد. بنابراین هارتلند (قلب سرزمین) لرها خوزستان به ویژه اهواز است. لذا لازم است که درباره این پدیده توضیحات لازم داده شود.

اهمیت خوزستان و اهواز:

خوزستان منطقه ای است که برای کشور عزیزمان ایران دارای اهمیت فراوانی است. ما لرها می توانیم با سلطه بر این سرزمین هم نگاهبانی از این بخش از سرزمین کشورمان در برابر تجزیه طلبان بدهیم و هم اینکه قومیت خویش را در سراسر ایران با بهره گیری از این نقش توانمند و ثروتمند سازیم.

انرژی:

شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب (به اختصار: NISOC) بزرگترین شرکت نفت و گاز ایران است، که در زمینه اکتشاف، استخراج، پالایش و انتقال نفت خام و گاز طبیعی، همچنین تولید میعانات گازی فعالیت می نماید. ریشه های تأسیس این شرکت به سال ۱۹۷۱ و راه اندازی شرکت اُسکو، در شهر مسجد سلیمان (لر نشین) بازمی گردد. فرم کنونی این شرکت پس از انقلاب ۱۳۵۷، با ادغام دارایی های شرکت اُسکو و شرکت عملیات غیر صنعتی، تحت نام مدیریت مناطق نفتخیز، شکل گرفت. پس از جنگ ایران و عراق، به مدیریت تولید مناطق خشکی، تغییر نام داد و در سال ۱۳۷۷ در پی تجدید ساختار و سازماندهی مجدد،

نام آن به شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب تغییر پیدا کرد. در حال حاضر دفتر مرکزی این شرکت، در اهواز مستقر می‌باشد. شرکت مناطق نفتخیز جنوب هم‌اکنون بیش از ۸۳٪ درصد از نفت و ۱۶٪ درصد از گاز ایران را تولید می‌کند، به طوری که روزانه بالغ بر ۳ میلیون بشکه نفت خام، ۸۰۰ میلیون فوت مکعب گاز طبیعی و ۱۵۰ هزار بشکه میعانات گازی استخراج می‌نماید. این گروه صنعتی، بعنوان شرکت تابعه ای از شرکت ملی نفت ایران، مسئولیت برنامه‌ریزی، مدیریت و تولید از ۶۵ میدان نفتی و گازی، با مجموع بیش از ۳۳۰ میلیارد بشکه نفت خام درجا و بالغ بر ۴۲۰ تریلیون فوت مکعب، گاز طبیعی درجا را برعهده دارد. ساختار سازمانی این شرکت از دو بخش ستاد مرکزی و مدیریت‌ها، تشکیل می‌شود و مالک ۹ شرکت تابعه است، که شامل ۵ شرکت تولیدی: شرکت نفت و گاز کارون، شرکت نفت و گاز مارون، شرکت نفت و گاز چساران، شرکت نفت و گاز آغاچاری و شرکت نفت و گاز مسجد سلیمان ، ۲ شرکت مهندسی: شرکت توربین جنوب و شرکت پیرا حفاری ایران و ۲ شرکت خدماتی: شرکت ترابری و پشتیبانی نفت و شرکت خدمات رفاهی نفت می‌باشند. (ویکی پدیا)

امروزه انرژی از مباحث تأثیرگذار در اقتصاد جهانی است و در این بحث کانون‌های تولید، مصرف و نیز مسیرهای انتقال انرژی خصوصا نفت و گاز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند. از این رو امنیت عرضه، تقاضا و انتقال انرژی در سطح بین‌الملل حائز اهمیت است و کشورهای دارای ذخایر انرژی یا دارای مسیرهای مناسب ترانزیت انرژی، از توان بالقوه تأثیرگذاری منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردارند. بالفعل کردن این توان نیازمند استفاده صحیح از امکانات و سیاست‌های جاری کشور و امنیت موثر و مناسب آن در خوزستان با کمک ناحیه گرای لرها خواهد بود. ناحیه گرای که هارتلند آن اهواز است. دولت ایران با عنایت به رشد قوم گرای در کشور و خطر آن از سوی تجزیه طلبان ضدایران باید برای حفظ امنیت خوزستان در تقویت ناحیه گرای لرها با مرکزیت اهواز بکوشد. زیرا مقابله با جنبش قوم گرای دیگر امکان ندارد و تنها راه آن استفاده از قوم گرای درون گرا در برابر قوم گرای برون گرا است.

توسعه نیشکر و صنایع جانبی:

توسعه نیشکر و صنایع جانبی نیز از موقعیت و ارزش بسیار والایی در اقتصاد کشور برخوردار است. زیرا یکی از گام های مهم در مبارزه با تک محصولی کشور است. این شرکت که از زیر مجموعه های وزارت جهاد کشاورزی است این رسالت مهم را به خوبی پی گیری می کند. البته اعمالی که مشکلات محیط زیستی در پی دارد باید از سوی این شرکت حل شود. استان خوزستان از دیرباز یکی از مراکز مهم کشت نیشکر بوده است، بطوریکه تولید 220 تن نی در هکتار در این استان تجربه شده است. از اینرو کشت نیشکر در این استان، دارای مزیت نسبی به شمار می رود. هلدینگ توسعه و نیشکر و صنایع جانبی، بزرگترین تولید کننده شکر در کشور، در این استان واقع شده است. (سازمان خصوصی سازی) صنایع مهم دیگری مانند پتروشیمی های استان وجود دارد که قابل توجه هستند.

چگونگی امنیت استان خوزستان:

در این باره دیدگاه های سرلشکر سید یحیی صفوی، در مورد امنیت ملی جالب توجه است. سردار سرلشکر سید یحیی صفوی؛ دستیار

و مشاور عالی فرمانده معظم کل قوا در دومین روز برگزاری همایش سراسری امنیت پایدار که در سالن غدیر وزارت کشور برگزار شد به بیان "ملاحظات برای تدوین امنیت پایدار در سطح ملی" پرداخت. سرلشکر صفوی ضمن تاکید بر ضرورت و لزوم باز تعریف امنیت در سطوح مختلف قرن حاضر اظهار داشت: اندیشمندان حوزه مطالعات استراتژیک بر این باورند که در قرن حاضر رهبران سیاسی کشورها، فرماندهان نظامی و نهادهای مرتبط با امنیت ایجاب می‌کند که تفکر خود را راجع به سطوح مختلف امنیت و موضوعات امنیتی تغییر دهند. وی افزود: گسترده شدن مفاهیم امنیت، تحولات سریع در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، پیشرفت‌های تکنولوژیکی و سیستم‌های ارتباط جمعی در سطوح مختلف امنیت تاثیرگذار می‌باشد. دستیار و مشاور عالی فرمانده معظم کل قوا با ارائه تعریفی از امنیت پایدار گفت: امنیت پایدار عبارت است از دستیابی به شرایط مطلوبی که یک دولت - ملت و حکومت فارغ از تهدیدات داخلی و خارجی و نفوذ بیگانگان در عرصه‌های مختلف بتواند به اهداف راهبردی ملی خود دست یابد. وی با بیان اینکه حکومتها بدون امنیت پایدار

نمی‌توانند راهبرد ملی خود را به نتیجه برسانند تصریح کرد:

رسیدن به امنیت پایدار اساسی‌ترین نیاز و اولویت دولت - ملت‌ها و حکومتها برای حفظ بقای ملی و منافع، ارزشها و استقلال و در مجموع دستیابی به اهداف راهبرد ملی است. سرلشکر صفوی با بیان اینکه اکنون در دهه چهارم انقلاب و دهه پیشرفت و عدالت قرار داریم تاکید کرد؛ این پیشرفت بدون امنیت پایدار ناشدنی است. وی در ادامه به بیان ملاحظاتی پیرامون تدوین امنیت پایدار در سطح ملی پرداخت ... و تاکید کرد: تدوین راهبرد امنیت پایدار تا سال 1404 طی سه برنامه 5 ساله پنجم، ششم و هفتم نیاز و ضرورت کشور ما است و با تدوین این راهبرد، امنیت پایدار وظیفه‌ای حکومتی محسوب شده و با تغییر دولت‌ها دچار تغییر نمی‌شود. سرلشکر صفوی با تاکید بر ضرورت تنظیم سند راهبرد امنیت پایدار اظهار داشت: در تنظیم این سند تقویت شاخص‌های توسعه انسانی، فرهنگی، اقتصادی و در نهایت رضایتمندی مردم اساس کار است. وی افزود: امنیت مردمی از مباحث مورد تاکید در امنیت پایدار است... وی اعتلای ارزشهای فرهنگی و تقویت همگرایی و انسجام ملی به خصوص در مناطق مرزی با مناطق

مرکزی ایران را جز ضرورتها دانست... بی گمان باتوجه به مباحث بالا ایده امنیت ملی به ویژه درخوزستان با عنایت به ناحیه گرایی لرها بسیار کارساز است. لازم به ذکر است که خوزستان مهمترین منبع انرژی کشور است و مرکز بسیاری از تصمیم گیری ها و مراقبت ها از آن دراهواز قرار دارد. دراین پیوند مراقبت صحیح دربرابرخطراتی که از داخل وخارج نفت وگازوصنایع پتروشیمی وتوسعه نیشکررا تهدید می کند، نیازمند بسیج سیاسی، فرهنگی و...مردم است، که بهترین آن بسیج ناحیه ای است که دراین میان لرها بهترین گزینه هستند. ناحیه لرها(درسراسرکشور) می توانند با این نقش آفرینی امتیازات متناسب با خواست های خویش را درسراسر سرزمین لرنشین ازحکومت دریافت نمایند.

خوزستان واهواز سرزمین اصلی لرها:

درباره اینکه خوزستان واهوازرزمین اصلی لرهاست درگفتارپیشین به تفصیل بیان شد. لذا دراینجامتعرض آن نمی شویم.تنهایادآورمی شویم که لرها بایدازتوهم زاگرس خارج شده ومركز وهارتلنداصلی خویش که اهوازااست گرچه درآن زیست

نکنند به گونه جدی مرکز همه فعالیت های اصلی و بنیادی خویش قرار بدهند و نباید آن را به شهرها و مناطق کوچک خویش بفروشند. بی گمان چنین اشتباهی ناشی از اینست که اهمیت اتحاد و انسجام قوم بزرگ لر را نادیده می شمارند و برای دادن و انتخاب فردی از فامیل خود در یک شهر کوچک گمان می کنند که افتخار (که از خصوصیات عدم توسعه یافتگی و عقب ماندگی است) می تواند که مثلا مشکلات مادی و فقر و عقب ماندگی آنان را حل کند و به آنها قدرت بدهد. افتخار از خصوصیات جامعه ارباب و رعیتی است و البته در آن دوران همین افتخار و اشرافیت به مردم آب و نان میداد. لیک امروز هیچ خیر و فایده ای ندارد. قوم لر تا درک درستی از ژئوپلیتیک و هارتلند قومی خویش و در نتیجه تقویت و تمرکز خویش بر آن نداشته باشند و نکوشد به صورت سیستماتیک (نه فردی و پراکنده) بر اهواز و در نتیجه بر استان سیطره کافی داشته باشد، ناتوان و درمانده خواهد بود و هرگز روی به ثروت و قدرت و افتخار واقعی دست نخواهد یافت. اگر کسانی ادعا دارند که راه حل و طرحی برای پیشرفت و اقتدار همه لرها دارند ارائه بدهند باکی نیست. لیک گمان نمی رود که به جز این راه، راه دیگری وجود داشته که این نگارنده

ارائه داده است. بنابراین از همه نویسندگان و گویندگان و شاعران و روشنفکران لر خواهانم که به گونه جدی در خوزستان، لرستان، فارس، بوشهر و مرکزی و غیره بر هارتلند بودن اهواز و خوزستان برای دفاع از ایران و پیشرفت و توسعه لرهابکوشند. در پایان به این نکته اشاره می‌کنم. این پرسش مطرح است که آیا لردارای واحد بزرگتری است که درون آن تش و طایفه و عشیره و شهر قرار بگیرد. پاسخ هم مثبت است و هم منفی. مثبت از این جهت که زمینه های فکری و فرهنگی و تاریخی آن وجود دارد. اما منفی از این جهت که تصویری ژئوپلوتیک بایک مرکز و هارتلند موثر در میان لر هانیست و علت آن عدم درک صحیح از تاریخ و جغرافیای لر است. بنابراین ناحیه لر باید مورد تبیین بایبان مرکز آن و آنچه که به ژئوپلوتیک آن قدرت می‌دهد شناخته و تعریف شود.

منابع:

1- رسول اکرم (ص)

2- مقام معظم رهبری

3- اطلس ایران

4- جی. اندرسون

5- دکتر مراد کاویانی راد

6- گاتمن

7- دکتر محمدرضا حافظ نیا

8- سر هلفورد مکیندر

9- سر لشگر سید یحیی صفوی

بهره تربیتی: ژئوپلوتیک و هارتلند بسیار مهم است و بدون آن هرگونه اقدام برای هویت و حقوق قومی بیهوده و بی اثر است و در واقع وقت تلف کردن است. زیرا هویت خواهی بدون جغرافیای سیاسی تنهایک تفنن و جغرافیای سیاسی بدون هارتلند (قلب سرزمین قومیت) امری بی معنا و فاقد هرگونه کارکرد مفید است.